

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم و تقدیر

حمد و سپاس مخصوص خداوندیست که به انسان قدرت اندیشیدن ارزانی کرد. نعمت عظیمی که انسان را از فرش به عرش می رساند. این رساله را به دریای معرفت پیامبران الهی و راهنمایان راستین علم و انسانیت از آدم تا خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) و امام عصر مهدی موعود (عج) تقدیم می نمایم، به این امید که مقبول واقع شود.

از آغاز تا انجام این رساله تعداد زیادی از اساتید و دوستان مرا مورد راهنمایی و لطف خویش قرار دادند که به مصداق حدیث شریف قدسی "من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق" از زحمات و تلاشهای پیامبرگونه آنان تقدیر و تشکر به عمل آورم. اساتید راهنما و مشاور: جناب آقای دکتر حسن ملکی، دکتر سعید بهشتی، دکتر عباس عباس پور، سرکار خانم دکتر فرخنده مفیدی، اساتید داور: سرکار خانم دکتر ایراندخت فیاض و سرکار خانم دکتر پروین احمدی که این رساله را مورد نقد و ارزیابی عالمانه خویش قرار دادند. همچنین از تمام اساتید فرهیخته و دانشمند در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی قدردانی می نمایم و از اساتیدی که افتخار دانشجویی آنها را در دوره تحصیلات تکمیلی در دانشگاه علامه طباطبایی داشته ام و دوستانی که در اجرای پژوهش مرا مورد مشاوره و راهنمایی قرار دادند از جمله دکتر محمود مهر محمدی، دکتر علی اکبر سیف، دکتر علی دلاور، دکتر عبدالسعید محمد شفیع، دکتر محمد شرفی، دکتر حمیدرضا مقامی، دکتر امین باقری کراچی، دکتر محمد ایمانی، دکتر اکبر مومنی راد، دکتر حسین کشاورز، دکتر علی قره داغی، دکتر محسن حاجی تبار فیروزجائی، دکتر محسن محمدی، دکتر غلامرضا ویسی و دکتر سیروس اسدیان صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم و از خداوند منان برایشان آرزوی سلامتی و توفیق دارم.

فهرست مطالب

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

مقدمه

بیان مساله

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهداف پژوهش

سوالهای پژوهش

تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی

فصل دوم: مبانی نظری و ادبیات پژوهش

بخش اول: قرآن و تربیت

بخش دوم: مطالعات برنامه درسی

بخش سوم: دوره ابتدایی آموزش و پرورش

بخش چهارم: مبانی روش شناختی، چهارچوب های مفهومی و پیشینه

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

روش پژوهش

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

شیوه و مراحل اجرای پژوهش

روش گردآوری اطلاعات و داده ها

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل چهارم: یافته های پژوهش

سوال ۱- مولفه های تشکیل دهنده تربیت اجتماعی مقطع ابتدایی چیست و کدام مولفه های اساسی در

تربیت اجتماعی باید در کانون توجه برنامه درسی قرار گیرد؟

سوال ۲- وضعیت تربیت اجتماعی در برنامه درسی فعلی یا رسمی مقطع ابتدایی چگونه است؟

سوال ۳- عناصر اساسی و برجسته الگوی برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی برقرآن در مقطع ابتدایی چه

ویژگیهایی باید داشته باشد؟

سوال ۳-۱- اهداف تربیت اجتماعی مبتنی برقرآن در الگوی مطلوب برنامه درسی مقطع ابتدایی کدامند؟

سوال ۳-۲- محتوای برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی برقرآن در مقطع ابتدایی چگونه باید سازماندهی شود؟

سوال ۳-۳- به منظور تربیت اجتماعی مبتنی برقرآن در مقطع ابتدایی چه روش یا روشهای آموزشی مطلوب است؟

سوال ۳-۴- شیوه یا شیوه های مطلوب ارزشیابی در برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی برقرآن در مقطع ابتدایی کدام است؟

سوال ۴- الگوی مطلوب پیشنهادی جهت برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی برقرآن در مقطع ابتدایی، تا چه اندازه معتبر است؟

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

بحث در خصوص یافته های پژوهش

محدودیت های پژوهش

پیشنهادها

الف) پیشنهادهای کاربردی

ب) پیشنهادهای پژوهشی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

ب) منابع انگلیسی



دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

عنوان تحقیق: طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در دوره ابتدایی

چکیده

امروزه جامعه شناسان، روانشناسان و متخصصان علوم تربیتی توجه ویژه‌ای به آموزش و تربیت افراد جامعه و به طور خاص کودکان دبستانی نشان می‌دهند و چون نهاد تعلیم و تربیت رسالت تربیت کودکان را در جوامع بر عهده دارد و پرورش نیروی انسانی متعهد، کارآمد و اثربخش محور توسعه پایدار در تمامی ابعاد در هر جامعه‌ای محسوب می‌گردد، ضروری است که سیاست‌گذاران در سطح کلان، برنامه ریزان در وزارت آموزش و پرورش و مدارس به تربیت دانش آموزانی که مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را به طور مناسب داشته باشند و از بعد انسانی، اخلاقی و اجتماعی رشد یافته باشند در اولویت قرار دهند و با نگاهی عالمانه بدان بنگرند. تربیت اجتماعی به عنوان یکی از ساحت‌های تربیت، کانون توجه اندیشمندان اجتماعی و تربیتی می‌باشد در سال‌های اخیر جامعه ایرانی-اسلامی ایران به دلیل هجوم گسترده‌ی آموزه‌های متعارض اجتماعی و اخلاقی به ویژه از سوی فرهنگ‌های مادی و منفعت‌گرای غربی در مرز بحران اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است و با چالش تعارض‌های ارزشی، اجتماعی و فرهنگی مواجه می‌باشد و می‌توان گفت یکی از بهترین شیوه‌های مواجهه با چالش‌های پیش رو و پاسخگویی به مسائل و مشکلات معاصر، رنسانس معنوی و رجوع به آموزه‌ها و تعالیم غنی اسلامی می‌باشد و بی تردید قرآن کتاب الهی در متن این فراخوانی به اندیشیدن و پژوهش می‌باشد. پارادایم زیربنایی پژوهش صورت گرفته، کیفی و روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد به این صورت که به منظور شناسایی وضعیت فعلی تربیت اجتماعی در برنامه درسی رسمی آموزش و پرورش دوره ابتدایی از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده و همچنین به منظور طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن از روش تحلیل محتوا و هرمنوتیک و در مرحله پایانی یا اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی از نظرات ۱۰ تن از متخصصان موضوع پژوهش استفاده شده است. الگوی پیشنهادی در مورد چهار عنصر اساسی برنامه درسی یعنی: اهداف، محتوا و روش‌های سازماندهی برنامه درسی، راهبردهای یاددهی-یادگیری و روش‌های ارزشیابی در تربیت اجتماعی می‌باشد که ضمن توجه به ویژگی‌های مخاطبان این دوره از مهم‌ترین گنجینه ارزشمند تربیتی، قرآن بهره‌مند گردیده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، تربیت اجتماعی، برنامه درسی، دوره ابتدایی، الگوی مطلوب

۱-۱- مقدمه:

مقام و موقعیت تعلیم، تربیت و انسان گونه زیستن در مکتب اسلام و قرآن حیاتی می باشد: اَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ * بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است * همان کس که به وسیله قلم آموخت * آنچه را که انسان نمی دانست [به تدریج به او] آموخت * (علق، آیات ۳-۵) و خداوند پایه گذار علم، معرفت و پژوهش می باشد و هر یک از آیات قرآن موضوع طرح پژوهشی وسیع و کاملی می باشد.

همچنین اولین آیات نازل شده بر پیامبر (ص) نخستین سند مدون تعلیم و تربیت اسلامی است که در آن بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت: یعنی کسب دانش و معرفت از یک سو و تعالی روح و کمال انسانی از سوی دیگر، تأکید می شود (سلیمان نژاد و همکاران، ۱۳۸۹) و آموزش و پرورش از مهمترین نهادهای تربیتی در زندگی انسانها می باشد. یکی از اهداف عالی در نظامهای آموزشی، اجتماعی کردن صحیح دانش آموزان مبتنی بر ارزشهای حاکم در جامعه می باشد و به طور متقابل رشد و اعتلای جامعه در سایه اجتماع پذیری افراد امکان پذیر می باشد در این تعامل بین فرد و جامعه استعدادهای بالقوه انسان شکوفا می شود و این فعل و انفعالات مستلزم تربیت اجتماعی است.

تربیت اجتماعی که به واسطه آن آدمی در طول حیات خویش تمامی عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خود را به شکل خودآگاه و یا ناخودآگاه درونی کرده و با ساخت شخصیت یگانه می سازد، نقش مهمی در کارکرد فرد در جامعه دارد. بدون شک دوران کودکی فشرده ترین و ماندگارترین دوره تربیت است که همه عناصر و مؤلفه های تربیت اجتماعی که شامل کسب ارزش های فرهنگی و اجتماعی، یگانگی این ارزش ها با شخصیت و تطابق و سازگاری با محیط اجتماعی است در لایه های بنیادین شخصیت به منزله میراث ثانوی او باقی می ماند. این دوره ای است که کودک آدمی چیزهای بسیاری را در خود درونی می کند بلکه فراتر از آن دوره ای است که بیش از هر مقطعی از زندگی در آن قابلیت انعطاف وجود دارد و مناسب ترین دوره برای یادگیری و شکل گیری شخصیت است (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۹۷).

خداوند در قرآن کریم انسان را به طور فطری اجتماعی معرفی می نماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا، ان اکر مکم عند الله اتقیکم» هرچندانسان اجتماعی آفریده شده است اما در بستر خانواده، گروه و اجتماع توانائی های او شکوفا می گردد و این فرایند شکوفائی استعدادها نیازمند تربیت است. بنا براین اجتماعی بودن انسان همراه با تربیت اجتماعی و ترکیب با آموزه های معنوی و اعتقادی می باشد.

توصیف انسان در قرآن، صرفاً به منزله (فرد)، فردی بریده و مجزا، انجام پذیرفته، بلکه رابطه او با جمع و امتی که در آن زندگی می کند، به منزله وجهی اساسی از هویت او در نظر گرفته شده است. هویت جمعی، چیزی از پیش تعیین شده نیست، بلکه آدمیان با شرکت در روابط معینی با یکدیگر آن را می سازند. بنابراین فرد در هر امتی که باشد، برحسب نوع موقعیت و مقام خود و نوع روابطش با دیگران، از وجه جمعی ویژه ای برخوردار خواهد بود و این چهره جمعی، هویت آدمی و بخشی از توصیف اوست (باقری، ۱۳۸۵، صص ۳۷-۳۸).

امروزه جامعه شناسان، روانشناسان و متخصصان علوم تربیتی توجه ویژه ای به تربیت اجتماعی افراد نشان می دهند و چون نهاد تعلیم و تربیت رسالت تربیت کودکان را در جوامع بر عهده دارد و پرورش نیروی انسانی مولد، کارآمد و اثربخش محور توسعه پایدار در هر جامعه ای محسوب می گردد ضروری است که سیاست گذاران، برنامه ریزان وزارت آموزش و پرورش و مدارس به تربیت دانش آموزانی که توانایی برقراری ارتباط با گروه و سایر افراد را به طور مناسب داشته باشند در اولویت قرار دهند و آن را مدنظر قرار دهند. بنابراین طراحی برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در نظام ارزش محور جامعه مابه خصوص در دوره ابتدائی از وظایف متخصصان برنامه درسی می باشد که باید به شکل علمی و تخصصی بدان پرداخته شود. بنابراین در این رساله شاخص های انسان مطلوب اجتماعی و رشد یافته از منظر قرآن بررسی می گردد و نقشه ای برای آموزش و یادگیری این معیارها ترسیم می گردد و کلیات پژوهش از قبیل بیان مسأله، اهمیت و ضرورت، اهداف و سؤالات پژوهش از این منظر مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۲- بیان مسأله:

براساس پژوهش ها و مطالعات انجام شده در حوزه تربیت کاستی های جدی و آشکاری وجود دارد و فرزندان این مرز و بوم با وجود میراث غنی اسلامی و ایرانی و منبع لایزال الهی قرآن شرایط مناسب تربیتی و اجتماعی را تجربه نمی کنند و این کاستی ها در رفتار افراد جامعه به ویژه جوانان آشکار می باشد؛ مسائلی از قبیل بحران هویت، فقدان مهارت های ارتباطی و اجتماعی، دین گریزی و بی اعتنایی به ارزش ها و باورهای اسلامی نمود بیشتری دارد و آسیب های جبران ناپذیری به نظام اجتماعی وارد ساخته است، این مسئله لزوم توجه و عزم جدی متخصصان علوم تربیتی و روانشناسی را می طلبد تا به شکل علمی به پژوهش در این خصوص پردازند.

«در تربیت اجتماعی آنچه محور قرار می گیرد طبیعت، اراده، خواست و نیاز فطری فرد است که باید توسط اولیا و مربیان مورد تایید قرار گیرد. هرگونه تغییر و تبدیل یا تحریف و تحمیل که ماهیت و هویت

فردی او را مختل سازد پذیرفته نیست. از همین روست که باید فرصت ها و زمینه های تربیتی به شکل آزاد اما متعهدانه فراهم شود تا شخصیت کودک، به منزله یک پروسه و نه یک پروژه، و به مثابه یک جریان تکوینی، و نه تدوینی، رشد یابد و هر فردی متناسب با شاکله خودش و راه و روش منحصر به فرد خود، به کمال فردی و اجتماعی برسد» (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸). بنابراین تربیت اجتماعی فرایندی است که هر چند در اجتماع اتفاق می افتد اما هر فرد متناسب با شاکله خویش مسیر منحصر به فردی را به سمت کمال طی می کند و طی این مسیر مستلزم طرح و نقشه و برنامه ریزی اصولی می باشد.

تربیت اجتماعی هم به عنوان یکی از ساحت های تربیت مورد توجه جدی اندیشمندان اجتماعی و تربیتی می باشد. امروزه به دلیل بحران های هویتی، اجتماعی و عدم توجه به معنویت، جامعه در معرض چالش های بنیادی قرار گرفته است این چالش ها در روابط میان فردی، ارتباطی و عاطفی آشکار می باشد. خواجه سروی (۱۳۸۰) معتقد است نبود راهبرد فرهنگی در نهادهای فرهنگ ساز نظیر آموزش و پرورش، نظام را با معضلاتی مثل روزمره گی فرهنگی و بروز بحران های هویتی مواجه ساخته است. این مشکلات موجب شده اند که تقویت هویت اسلامی-ایرانی به طور جدی پیگیری نشود.

یکی از چالش های بیرونی آموزش و پرورش افول اخلاقیات و نیاز شدید به تجدید حیات اخلاق و ارزش های اخلاقی است که عطف توجه ویژه ای را به آموزه های کتاب آسمانی و احکام دینی به طور جدی طلب می کند (تقی پور ظهیر، ۱۳۸۶، ص ۸). در یک نظام دارای کارکرد مطلوب، ارزش های فرهنگی از طریق فرایند اجتماعی شدن درونی شده و به عنوان گرایش های شناختی و عاطفی برای رفتارهای مربوط به ارزش وارد ساخت روانی فرد می شوند. نقش انتظارات در ارتباط با همان ارزش هایی که وارد فرایند اجتماعی شدن شده اند، تعریف می شوند، به طوری که آنچه که از کودک برای عملکرد در مدرسه خواسته شود با گرایش های رفتاری او سازگار است (گنزلز، ۱۳۸۶، ص ۱۴).

فتحی (۱۳۸۳) در پژوهش هایی که در زمینه تربیت اجتماعی و به طور خاص مهارت های ارتباطی و تربیت شهروندی انجام داده است؛ چالش اساسی فراروی نظام آموزشی ایران را تربیت شهروندانی که توانایی مهارت های حل مسائل زندگی را داشته باشند می داند و بیان می کند که تربیت شهروندی می تواند زمینه ساز آسایش و رفاه مردم هر کشور شود، سبب ایجاد مشارکت اجتماعی، ارتباطات خویشاوندی، رشد و توسعه اقتصادی، رشد سیاسی و فرهنگی، ارتقا سطح دانش افراد، آشنایی با قوانین و قواعد در سطح جامعه و بین المللی، توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از خود بیگانگی در برابر سایر فرهنگ ها می شود.

جنکینز (۱۳۸۱) بیان می کند هویت نسل های امروزی، بر خلاف نسل های قبل، چندان آینه تمام نمای چشم اندازهای اجتماعی نیست. اگر دیروز این تاریخ و فرهنگ ما بودند که شیوه های ما برای صحبت از

هویت را به ما آموختند، امروزه این شیوه ها منابع بیشتری را از قبیل رویارویی زبان ها، مواجهه سنت ها و شیوه های زندگی، فرایندهای جهانی شدن و رسانه های گروهی و البته تاریخ و فرهنگ خودمان را در بر می گیرد. دوگان (۲۰۰۹) دوره ابتدائی آموزش و پرورش را مهم ترین دوره آموزشی قلمداد می کند به دلیل اینکه دانش آموزان مهارت های اساسی و پایه را می آموزند و با اجتماع ارتباط برقرار می کنند.

انتقادی، مهارت های ارتباطی و اجتماعی، مهارت های حل مسأله و درونی کردن ارزش ها و هنجارهای اجتماعی از مؤلفه ها اساسی تربیت اجتماعی می باشد ملکی (۱۳۸۴) معتقد است: تربیت اجتماعی و آماده کردن افراد برای زندگی بهتر با دیگران یکی از هدف های اساسی مورد نظر آموزش و پرورش می باشد. تربیت علمی - با همه تاثیری که در رشد جامعه دارد - بدون تربیت اجتماعی ابر و ناقص خواهد بود. تربیت اجتماعی مورد نظر صرفاً سازگاری اجتماعی دانش آموزان نمی باشد، بلکه دارا بودن مهارت ها و نگرش های لازم و فعال برای مواجهه با مشکلات و معضلات اجتماعی نیز مورد نظر است. انتقادی اجتماعی بعد دیگر تربیت اجتماعی است. انتقادی اجتماعی معطوف به آن رفتارهای اجتماعی است که در برابر عملکردهای غلط و انحرافی از قبیل ظلم، تبعیض، تحقیر و مثابه آنها حساس است.

بنابراین با توجه به پژوهش ها و منابع مطالعه شده، تربیت اجتماعی به عنوان یکی از ساحت های تربیت که در بستر ارزش ها و هنجارهای اجتماعی شکل می گیرد در نظام آموزشی و به طور خاص، دوره ابتدایی آموزش و پرورش کمتر به آن پرداخته شده است و در مواردی هم که پرداخته شده است به ارزش های اجتماعی، فرهنگی و اسلامی که ریشه در قرآن دارد توجه کامل و علمی نشده است از همین رو جامعه ایرانی - اسلامی، علی رغم میراث فرهنگی، تمدنی و تاریخی ایرانی - اسلامی به عنوان یکی از کشورهای پر تلاق جهان و آمار بالای تلفات ناشی از حوادث جاده ای و نابسامانی و معضلات ناشی از ورود و اشاعه فرهنگ های بیگانه و نامانوس با فرهنگ اسلامی و ترویج فرق ضالّه و شیطان پرستی و... در معرض تهدید و بحران اجتماعی - فرهنگی قرار گرفته است و از آنجا که تربیت بدون توجه به ارزش های جامعه مفید و مؤثر نخواهد بود این پژوهش، تربیت اجتماعی و به طور مشخص مؤلفه های اساسی آن؛ مهارت های اجتماعی و ارتباطی، اندیشه ورزی، تفکر انتقادی، مسئولیت پذیری، همکاری، مشورت را در قرآن مورد بررسی قرار می دهد و به طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی می پردازد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق:

در خصوص اهمیت و ضرورت پژوهش از یک طرف با توجه به تأکیدات فراوانی که بر بحث بومی سازی علوم شده، می طلبد که علوم تربیتی و حوزه مطالعات برنامه درسی به عنوان مهندسی آموزش و یادگیری نیز به عنوان یکی از با اهمیت ترین رشته های علوم انسانی در فرآیند بومی سازی قرار گیرد. بدون

شک پرداختن به بحث بومی سازی علوم تربیتی، بدون پرداختن به منابع و آموزه های اسلامی و قرآنی امکان پذیر نمی باشد؛ چرا که ساختار فرهنگی جامعه ما منبعث از تعالیم اسلامی-قرآنی می باشد. این در حالی است که متأسفانه در سال های اخیر جامعه ما به دلیل هجوم گسترده آموزه های ناصحیح به ویژه از سوی فرهنگ های مادی گرای غربی در مرز بحران فرهنگی قرار گرفته است و به یقین می توان گفت بهترین شیوه رویارویی با چالش پیش رو پاسخگویی به نیازها و مسائل جامعه رجوع به آموزه ها و تعالیم غنی اسلامی و ایرانی است همچنین باید توجه داشت که انسان موجودی اجتماعی است و برای توفیق او در زندگی اجتماعی، لازم است بخش عمده ای از فرایند تربیتی انسان ها معطوف تربیت اجتماعی باشد که در واقع به واسطه این بعد یاساحت در تربیت، انسان برای نقش آفرینی و زندگی بهتر در جامعه مهیا شده و می تواند مسیر کمال خویش را بهتر ببیند.

مهم ترین نهادهای اجتماعی در جامعه ما آموزش و پرورش می باشد که بر اساس ایدئولوژی اسلام به تربیت اجتماعی دانش آموزان می پردازد. ایدئولوژی اسلام باید در برنامه های درسی مدارس وارد شود و در رفتار دانش آموزان به ظهور برسد. بنابراین توجه مداوم و علمی به برنامه های درسی که ارزشها و هنجارهای اسلامی را به نمایش می گذارند مهم و حیاتی می باشد. و متخصصان آموزش و برنامه های درسی باید خود آشنا، علاقمند و متعهد به آموزش و اجرای این ارزشها باشند.

مسئله تربیت اجتماعی بر اساس دو رویکرد عمده و رقیب در مورد انسان تبیین های متفاوتی را می پذیرد. یکی دیدگاهی که فرد و حقوق فردی را در کانون توجه قرار می دهد و اجتماعی بودن آدمی را تابعی از آن می داند (دیدگاه لیبرال) و دیگری، دیدگاهی که فرد را به خودی خود، امری قابل تصور در نظر نمی گیرد، بلکه وضعیت اجتماعی را مبنا می داند و مسائل فردی و حقوق افراد را چون تابعی از آن لحاظ می کند (دیدگاه هگل و جماعت گرایان) این دو دیدگاه با نوعی افراط و تفریط همراه است. از این رو در مسئله تربیت اجتماعی انسان به زبان تمثیل می توان گفت: فرد در جامعه همچون اتمی است که به شکل کووالانسی در دو مدار فردی و اجتماعی می گردد. او با گردیدن در مدار وضعیت اجتماعی معین، در عمل تحت تأثیر آن وضعیت قرار دارد اما چنین نیست که او تنها بتواند بر گرد این مدار بگردد. افزون بر آن با گردیدن بر مدار فردی، همواره این امکان برای او وجود دارد که وضعیت اجتماعی خویش را مورد تردید و تأمل قرار دهد، در برابر آن مقاومت ورزد و بر آن تأثیر بگذارد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶).

انسان موجودی است اجتماعی که در بستر اجتماع به رشد و شکوفائی می رسد و آموزش و پرورش در تحکیم و تقویت این فرایند به او کمک می کند تا عوامل مؤثر از قبیل منطق، تفکر، مهارت های اجتماعی، خلاقیت و انتقاد در وی نهادینه شود. بر این اساس، به کار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت

بازیافت فرد در دامنه سنت ها و بسترهای اجتماعی و گزینش موارد معقول و موجه از آنها و غلبه بر خودمحوری از یک سو و رشد، پرورش و ارتقای فردیت از جانب دیگر و نهادینه کردن این ارزش ها، تربیت اجتماعی نامیده می شود (کربلایی، ۱۳۸۷، صص ۱۹-۲۰). بر اساس مطالعات صورت گرفته در ارتباط با تربیت اجتماعی، ارزش ها و هنجارهای جوامع باید در کانون توجه جامعه شناسان و متخصصان علوم تربیتی قرار گیرد و تربیت فاقد بعد ارزشی پوچ و بی نتیجه خواهد ماند.

«تربیت اجتماعی به معنای همسازی و همنوایی با ارزش ها، هنجارها و نگرش های گروهی و اجتماعی است یا به مفهوم دیگر فراگردی است که به واسطه آن، هر فرد، دانش و مهارت های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می کند. دور کیم در کتاب آموزش و پرورش اخلاقی، عقاید خود را درباره کارکرد مدارس و رابطه آن با جامعه مطرح می کند و از لحاظ او، ارزش های اخلاقی شالوده اجتماعی به شمار می رود، و جامعه از طریق نهاد های تربیتی تداوم پیدا می کند» (علاقه بند، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲).

نحوه تربیت اجتماعی با نحوه شکل گیری شخصیت ارتباط قوی دارد، در واقع، چنانچه تربیت اجتماعی کودک با رویکرد فعال، خلاق و به شکل طبیعی و خود انگیخته پیش رود، شخصیت کودک نیز به تبع این تحول، ساختاری بدیع و منحصر به فرد پیدا می کند. به تعبیر گیدنز^۱ «خود واقعی» آدمیان در عصر جدید و در فشار ناخواسته و یا خواسته آموزش ها، تلقین ها و تحمیل، به «خود تعریف شده» فروکش کرده است. این «خود» در فرایند اجتماعی از اصالت، یگانگی و یکپارچگی خارج می شود و در قالب الگوها، مسیرها و شیارهای از پیش رسم شده رنگ می بازد و رنگ «دیگری» به خود می گیرد. در حقیقت تربیت اجتماعی باید واجد کنش خلاق فرد با محیط اجتماعی به سبک خود باشد. به تعبیر «کرشن اشتاینر» کودک باید در تعامل با فرهنگ و طبیعت خویش ترکیبی تازه و بدیع از رفتارهای اجتماعی را خلق کند (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱).

در تربیت اسلامی هم مهارت های اجتماعی و ارتباطی و سایر مؤلفه های تربیت اجتماعی از جایگاه ویژه ای برخوردار است و توجه به این مؤلفه ها در تربیت اجتماعی و آموزش آنها به دانش آموزان، توانائی های اجتماعی آنها را برای تشکیل رفتارهای ارزش مدار و رسیدن به انطباق اجتماعی افزایش می دهد.

بنابراین مطالعه دقیق، برنامه ریزی اولیه، هدف گذاری صحیح و تلاش مستمر برای آموزش و تقویت دانش آموزان ضروری است. این امر به خصوص در دوره ابتدایی اهمیت دارد، زیرا این دوره یکی از

1 . Giddens,A

حساس ترین مقاطع زندگی هر انسانی است و شالوده شخصیت، رفتارها و عادت های اساسی یادگیری انسان‌ها، بر چگونگی تربیتی است که در این دوره انجام می پذیرد و آنچه بعدها به دست می آید، بر این بنیان قرار خواهد گرفت. آموزش دوره ابتدایی به عنوان مبنا و اصل همه آموزش‌ها مطرح می شود و در واقع سنگ زیر بنای نظام آموزشی به شمار می آید، محتوای کتاب‌های این دوره در ذهن دانش آموزان، اولین نقش‌هایی هستند که بر لوحی صاف و سفید نقش می بندد. دانش آموزان با خواندن این کتاب‌ها می توانند اولین آگاهی‌ها را درباره آداب و رسوم، قوانین و مقررات اجتماعی به دست آورند (دهقانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷).

بنابراین امروزه از مریبان، برنامه ریزان و دست اندرکاران انتظار می رود که کودکان را برای موفقیت‌های تحصیلی در مدرسه آماده کنند، آنان را افرادی اجتماعی بار بیاورند و برای سازگاری با جوامع فرهنگی و متنوع، خود را مهیا سازند، به آنها یاد دهند تا بر محرومیت‌های محیطی فائق آیند و سرانجام اینکه استعدادها و عاطفی خود را برای روبه رو شدن با موقعیت‌های مختلف و روش حل مسأله به کار گیرند تا انسان‌هایی خلاق پرورش دهند (کول، ترجمه مفیدی، ۱۳۸۶، ص ۷).

فرهنگ و به طور خاص تربیت اجتماعی در کشورهای غرب و کشور ما متفاوت می باشد در حالی که در کشورهای غربی فرهنگ و تربیت اجتماعی در مجموعه ای از آداب و رسوم اجتماعی و نظایر آنها خلاصه می شود اما در جوامع اسلامی و به طور خاص جامعه ایران، ارزش‌ها و باورهای مذهبی فرهنگ حاکم را تشکیل می دهد و این ارزش‌ها و باورها در تمام مناسبات فردی و اجتماعی جاری و ساری می‌باشد و عدم توجه نظام آموزشی به این فرایندها و مؤلفه های اساسی آن لطمات جبران ناپذیری را به جامعه وارد می سازد تا آنجا که افروز (۱۳۸۴) بیان می کند: در جامعه اسلامی ما اندیشه و باورهای دینی ریشه در عمق وجود مسلمانان دارد، اندیشه‌ها و باورها و آموزه های دینی در فرایند تشکیل نطفه، دوران زندگی جنینی، زمان تولد و نام گذاری نوزاد، شیرخوارگی، کودکی، نوجوانی، جوانی، تحصیل، ازدواج، کار، ارزش‌های اجتماعی و بالاخره همه بایدها و نبایدهای فطری و عقلانی حاکم بوده و بیشترین تأثیر گذاری را در مناسبات خانوادگی و اجتماعی دارد. لذا فرهنگ در جامعه اسلامی ما نمی تواند صرفاً در برخی آداب و رسوم کهن و دانش و آفرینش هنر خلاصه گردد.

با توجه به مسائل مطرح شده، اندیشمندان اجتماعی و تربیتی به طور علمی به نظام‌های آموزشی توجه نشان می دهند و درصددند معضلات و چالش‌های مطرح شده در اجتماع را به کمک نظام‌های آموزشی و فرایند تربیت حل و فصل نمایند و درمان آن را در نظام آموزشی جستجو می کنند و به تعبیر مهرمحمدی (۱۳۸۶) نزد انسان‌های هوشمند، تحول در نظام‌های آموزش و پرورش، به عنوان پیش نیاز اهداف توسعه

پایدار ارزیابی شده است. بهشتی (۱۳۸۹) شالوده استخراج و تدوین اهداف، اصول، محتوا و روش‌ها را در تربیت دینی از دیدگاه اسلام، اوصاف وجودی انسان، جهان و آفریدگار انسان و جهان می‌داند که از متون اسلامی استخراج می‌شوند.

در ارتباط اهمیت و ضرورت نظری پژوهش حاضر با توجه به اینکه این پژوهش به تربیت به طور عام و تربیت اجتماعی به طور خاص می‌پردازد بنیادهای نظری تربیت اجتماعی را گسترش می‌دهد و به رشد و توسعه مفهومی این حوزه از معرفت بشری کمک خواهد کرد و از سوی دیگر با توجه به اینکه پژوهش حاضر به دنبال ترسیم انسانی رشد یافته از بعد اجتماعی با شاخص‌های قرآنی می‌باشد به توسعه علوم انسانی با رویکرد دینی - اسلامی و بومی کمک شایان توجهی خواهد کرد. و از جنبه اهمیت و ضرورت عملی، پژوهش حاضر ضمن کالبد شکافی آسیب‌های ناشی از بی‌توجهی به تربیت اجتماعی با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی الگوی پیشنهادی در این رابطه عرضه می‌نماید و به طور مستقیم رفتارهای اجتماعی آحاد جامعه را نشانه گرفته است و اینکه پژوهش حاضر به دنبال ارائه الگویی برای تربیت اجتماعی دانش آموزان دبستانی می‌باشد و جامعه هدف آن سازمان آموزش و پرورش و تمام افراد وابسته به حوزه تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی می‌باشد قابلیت عملیاتی سازی در فرایند تربیت رسمی را دارد. بنابراین ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر، از چند جهت قابل توجه است: اول اینکه تربیت اجتماعی را به همراه مؤلفه‌های اساسی آن در قرآن مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و منبع مستقیم و غیر مستقیم پژوهش حاضر قرآن می‌باشد که باید در فرایند بومی سازی علوم و به طور خاص علوم انسانی به آن پرداخته شود؛ دوم اینکه مسئله محور می‌باشد و ضمن آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی و با توجه به چالش‌ها و معضلات اساسی در جامعه و کم‌توجهی به معنویت، باورها و ارزش‌های اصیل اسلامی در فرایند تربیت، راهکارها را در الگوی مطلوب تربیت اجتماعی لحاظ می‌کند؛ سوم اینکه به مقطع ابتدایی می‌پردازد که به عنوان یکی از حساس‌ترین و تأثیرگذارترین مقاطع تحصیلی در شکل‌گیری و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌باشد؛ و چهارم با توجه به اینکه در زمینه طراحی الگوی مطلوب تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در دوره ابتدایی تا کنون پژوهشی فراگیر و کامل انجام نشده است، تدارک پژوهشی در این زمینه مفید و ارزشمند می‌باشد.

۱-۴- اهداف تحقیق:

هدف کلی: طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی می‌باشد. هدف‌های جزئی این تحقیق به قرار زیر می‌باشند:

۱. شناسایی مؤلفه‌های اساسی لازم‌التوجه در برنامه درسی تربیت اجتماعی در مقطع ابتدایی؛

۲. شناسایی وضعیت تربیت اجتماعی در برنامه درسی رسمی مقطع ابتدایی؛
۳. تبیین ویژگی‌های عناصر الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی؛

۳,۱ تبیین اهداف برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی؛
۳,۲ تبیین محتوا و روش‌های سازماندهی محتوای برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی؛

۳,۳ تبیین شیوه‌های آموزش و فرصت‌های یادگیری در برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی؛

۳,۴ تبیین روش‌های ارزشیابی برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی؛
۴. طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب پیشنهادی برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی؛

۱-۵- سؤال‌های تحقیق:

سؤال کلی: الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی چیست؟
۱. مؤلفه‌های اساسی در برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی چیست؟
۲. وضعیت تربیت اجتماعی در برنامه درسی رسمی مقطع ابتدایی چگونه است؟
۳. عناصر الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۳,۱ اهداف تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در الگوی مطلوب برنامه درسی مقطع ابتدایی کدامند؟
۳,۲ محتوا و روش‌های سازماندهی محتوای برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی چگونه باید باشد؟

۳,۳ به منظور تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی چه روش‌ها یا روش‌های آموزشی مطلوب است؟

۳,۴ شیوه یا شیوه‌های مطلوب ارزشیابی در برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی کدام است؟

۴. الگوی مطلوب پیشنهادی درخصوص برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن در مقطع ابتدایی، تا چه اندازه معتبر است؟

۶-۱ تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی:

الف) برنامه ریزی^۱: به مجموعه فعالیت های منظم که از تعیین هدف شروع می شود و با انتخاب روش ها و وسایل متناسب با هدف ادامه پیدا می کند و سپس به اجرا در می آید و ارزشیابی می شود، برنامه ریزی می گویند (ملکی، ۱۳۷۹). فیوضات (۱۳۷۷) برنامه ریزی را فراگردی مداوم، حساب شده، منطقی، جهت دار و درونگر به منظور ارشاد و هدایت فعالیت های جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب تعریف می کند. در این پژوهش برنامه ریزی عبارت است از فعالیتهای تربیتی هدفمند به قصد آموزش و یادگیری می باشد.

ب) برنامه درسی^۲: مجموعه ای از طرح هایی است که برای هدایت یادگیری در مدارس از آن استفاده می شود. معمولاً این برنامه در اسناد قابل بازیابی در چند سطح کلی عرضه می شود. علاوه بر آن به اجرا در آوردن این طرح ها به همان شکلی که یادگیرندگان آن را تجربه می کنند و یک ناظر آن را ضبط می نماید هم اطلاق می شود. این تجارب در محیط یادگیری اتفاق می افتند. محیطی که محتوای یادگیری را هم تحت تأثیر قرار می دهند (Glatthorn, Boschee & Whitehead 2009, p3).

برنامه درسی عبارت است از مجموعه ای از وقایع از قبل پیش بینی شده که به قصد دستیابی به نتایج آموزشی-تربیتی برای یک یا بیش از یک دانش آموز در نظر گرفته می شود (Eisner, ۱۹۹۴, p31). در این پژوهش برنامه درسی طرح و نقشه آموزش و یادگیری می باشد.

پ) برنامه ریزی درسی^۳: به طراحی فرصت ها، فعالیت ها و تجارب یادگیری برنامه ریزی درسی گفته می شود (ملکی، ۱۳۸۶). به فرایند طرح و اجرا و ارزشیابی برنامه درسی اشاره می کند.

ج) الگو^۴: یک چهار چوب مفهومی است که به ما کمک می کند بتوانیم پدیده های دیگر را بهتر درک کنیم. الگوها به سان عامل کمکی در ساختن نظریه نقش مهمی دارند. الگوها به نظریه پردازان کمک می کنند تا دریابند که نظریه آنها چگونه شکل می گیرد. الگوها شکل های مختلفی دارند که الگوهای فیزیکی، ریاضی، زبان شناسی، و گرافیکی از آن جمله اند (بازرگان، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸). الگو بازنمود یک نظریه است. به عبارت دیگر الگو نماینده و ارائه کننده جنبه ها و منظرهای گوناگون نظریه قلمداد می شود. الگو به درک مطلب و نظریه سازی کمک می کند و در سازماندهی مقرون به صرفه و تبیین مقادیر کلان داده ها مفید واقع می شوند (ارنشتاین و هانکینز، ترجمه احقر، ص ۱۳۸۴). الگو ماهیت و عصاره دانش، اندیشه و دیدگاه یک متخصص است که به طور واضح و مختصر بیان شده است (بولوا،

1 - planning

2 - curriculum

3 - curriculum planning

4 - model

۱۳۷۵، ص ۲۷). دوچ^۱ (۱۹۵۲، ص ۳۵۷) الگو را ساختاری از نمادها و قواعدی تعریف می کند که باید مجموعه ای از عناصر مرتبط را در ساختار یا فرایندی موجود کنار هم جای دهد. والاس^۲ الگوپردازی را روند توسعه و انتزاع واقعیت، یعنی الگو می داند (۱۹۹۴، ص ۱). در این پژوهش منظور از الگو چکیده و مجموعه ای مختصر از اندیشه ها و دیدگاههای پژوهشگر می باشد که به شکل مفهومی ارائه شده است.

د) الگوی برنامه درسی^۳: الگوی برنامه درسی یک چهارچوب مفهومی و ساختار سازمانی برای تصمیم گیری درباره اولویت های تربیتی^۴، سیاست های اجرایی^۵، روش های آموزشی و ملاک های ارزشیابی است. هر چند که الگوهای برنامه درسی از نظر منطق زیر بنایی با یکدیگر تفاوت دارند، با این حال همگی چهارچوبی مشخص فراهم می آورند که راهنمای اجرا و ارزشیابی برنامه است (گوفین^۶، ۲۰۰۰، ص ۳۲۱). در این پژوهش الگوی برنامه درسی مجموعه ای از سیاست ها و اولویت های تربیتی است که به شکل مختصر و مفید ارائه شده است.

ر) برنامه درسی مطلوب^۷: برنامه درسی مطلوب مبتنی بر عقاید متخصصان و دانشمندان علوم مختلف بوده و توصیه های آنان در خصوص اینکه برنامه درسی مشتمل بر چه چیزهایی باید باشد و چگونه به مرحله اجرا درمی آید را دربرمی گیرد (مهرمحمدی، ۱۳۷۳، نقل از صمدی، ۱۳۸۰). در این پژوهش برنامه درسی مطلوب مبتنی بر مبانی فلسفی و ارزشی می باشد.

س) تربیت^۸: تربیت از ریشه «ربو» در لغت یعنی «غذا دادن و بزرگ کردن» و در اصطلاح موردنظر موردنظر ما «مجموعه تدابیر و روش هایی است که برای ایجاد، ابقاء، و اكمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در متری صورت می پذیرد» (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۲۴). مراد از تربیت در این پژوهش فعل و انفعالات میان مربی و متربی می باشد که به قصد یادگیری انجام می شود.

ش) تربیت شهروندی^۹: تربیت شهروندی عبارت است از رشد و پرورش دادن ظرفیت های افراد افراد و گروه ها برای تصمیم گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است (لطف آبادی، ۱۳۸۵، ص ۳۶).

1 -deutsch

2 -Wallace

3 - curriculum model

4 - educational priorities

5 - administrative policies

6 - Goffin

7 - optimal curriculum

8 - education

9 - citizen ship education

ف) تربیت اجتماعی^۱: تربیت اجتماعی فراگردی است که بواسطه آن هر فرد دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند (علاقه‌بند، ۱۳۸۷، ص ۹۰). تربیت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن افراد دانش‌ها و مهارت‌ها و ارزش‌ها و الگوهای رفتاری جامعه خویش را کسب می‌کنند (فومنی، ۱۳۸۶، ص ۶۱). تربیت اجتماعی، آشنایی با مفاهیم مختلف زندگی گروهی و مزایا و محدودیت‌های زندگی اجتماعی و شناخت گروه‌های اجتماعی (خانواده و امت اسلامی و جامعه بشری) و ارزش‌ها و معیارها و قوانین حاکم بر آن‌ها است (شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۴۷). در این پژوهش، مراد از تربیت اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌باشد که به صورت ضمنی یا تصریحی از قرآن استنباط شده‌اند.

ق) مهارت‌های زندگی^۲: مهارت‌های زندگی، مهارت‌هایی هستند که برای افزایش توانایی‌های های روانی-اجتماعی افراد آموزش داده می‌شوند و فرد را قادر می‌سازند که مؤثرانه با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی روبه‌رو شود (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۷۷). کلی^۳ (۱۹۸۲) می‌گوید: مهارت‌های اجتماعی عبارت است از رفتارهای معین و آموخته شده‌ای که افراد در روابط میان فردی خود، برای بدست آوردن تقویت‌های محیطی یا حفظ آنها انجام می‌دهند. مهارت‌های اجتماعی به مهارت‌هایی گفته می‌شود که شالوده ارتباطات موفق و رویارویی را تشکیل می‌دهد (هارجی و همکاران، ۱۳۷۷). منظور از مهارت‌های اجتماعی مجموعه‌ای از کنش‌های مطلوب اجتماعی است که منجر به سازگاری فرد با جامعه می‌شود (فتحی، ۱۳۸۷، ص ۷۵). در این پژوهش مهارت‌های زندگی، روشهای خوب زیستن و سازگاری با ارزشها و هنجارهای مطلوب و مورد پسند جامعه می‌باشد.

م) مهارت‌های شهروندی^۴: منظور از توانش مدنی^۵ یا مهارت شهروندی، مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که هر فرد برای زیستن در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، به آنها نیاز دارد (نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱). شهروندی همچنین به عنوان اساس و مبنایی که به وسیله آن شهروندان به دولت و حکومت متصل و مربوط می‌شوند تعریف می‌شود (alabac 2010 p2).

و) قرآن: از قرآن مجید دو گونه تعریف می‌توان به دست داد. نخست تعریف ساده و عرفی که آن را کتاب مقدس و آسمانی و وحی الهی بر حضرت محمد (ص) می‌داند. دوم تعریف عملی که قرآن را وحی نامه اعجاز‌آمیز الهی می‌داند که به زبان عربی، به عین الفاظ توسط فرشته امین وحی، جبرئیل، از جانب

1 - social education

2 - life skills

3 - kelly

4 - citizen ship skills

5 - civic skills

خداوند و از لوح محفوظ بر قلب و زبان پیامبر اسلام (ص) هم اجمالاً یکباره و هم تفصیلاً در مدت بیست و سه سال نازل شده است (خرمشاهی، ۱۳۷۳، ص ۳). در این پژوهش مراد از قرآن، تحلیل محتوای آیات و سپس مراجعه به تفسیر آیات موردنظر، جهت برداشت تربیتی و طراحی الگوی مطلوب تربیت اجتماعی می باشد.

ی) دوره ابتدایی: مخاطبان دوره ابتدایی آموزش و پرورش در این پژوهش سیستم شش پایه فعلی می باشد هرچند که تحلیل محتوا از کتب پایه سوم تا پنجم سال گذشته صورت گرفته است و کتب پایه ششم به دلیل جدید التالیف بودن مورد تحلیل قرار نگرفته است.

فصل دوم

انجام یک فعالیت تحقیقی بدون مطالعه دقیق و بررسی و آشنایی با تئوری‌ها و نظریات مربوط به موضوع مورد بحث امکان پذیر نخواهد بود. لذا محقق قبل از این که شروع به نوشتن طرح تحقیق خود نماید بایستی از مبانی نظری و پژوهشی موضوع خود کاملاً آگاه بوده و در این خصوص مطالعات وسیعی انجام داده باشد.

لذا در این فصل و در بخش اول با توجه به ارزشمندی قرآن به عنوان کتاب هدایت‌گر و انسان‌ساز و مهم‌ترین منبع پژوهش حاضر، در منابع نظری مختلف و اهمیتی که قرآن به تربیت و ابعاد تربیت می‌دهد پرداخته شده است. در بخش دو مروری بر مطالعات نوین برنامه درسی شده است و الگوهای مختلف برنامه ریزی درسی، دیدگاه‌های اجتماعی در برنامه درسی، عناصر و شیوه‌های تلفیق در برنامه درسی پرداخته شده است. در بخش سوم به جایگاه تربیت در دوره ابتدایی آموزش و پرورش، ویژگی‌ها، ابعاد رشد و اهداف آموزش و پرورش دوره ابتدایی پرداخته شده است و در بخش پایانی لزوم بومی‌سازی اندیشه در علوم انسانی از منظر مقام معظم رهبری، تربیت اجتماعی از منظر فیض کاشانی و کلیاتی از تربیت اجتماعی در غرب و پیشینه پژوهش پرداخته شده است. نکته قابل توجه در این پژوهش در خصوص تعریف الگو و برنامه درسی تربیت اجتماعی که این پژوهش به آن تعاریف وفادار می‌باشد این است که منظور از الگوی برنامه درسی در این پژوهش مجموعه‌ای از سیاست‌های تربیتی و اولویت‌های آموزشی می‌باشد که برنامه ریزان قبل از اینکه به شیوه‌های اجرایی و عملیاتی بپردازند باید در مورد آنها تصمیم‌گیری و هم‌اندیشی کنند و عموماً در قالب چهار عنصر اساسی برنامه درسی؛ هدف‌ها، محتوا، روش‌های آموزش و ارزشیابی نشان داده می‌شوند و تعریف عملیاتی؛ برنامه درسی تربیت اجتماعی در این پژوهش مجموعه‌ای از فعالیت‌های تربیتی و آموزشی می‌باشد که به بعد اجتماعی تربیت مرتبط می‌باشند و منبع این طراحی تربیتی به صورت مستقیم یا تلویحی قرآن می‌باشد.

بخش اول: قرآن و تربیت

۱-۱. روشن و روشنگر بودن قرآن کریم: قرآن مجید اساس قانونی و قانون اساسی ما و سنگ بنای تمدن اسلامی است و کتابی فرهنگ‌آفرین و زندگی‌سازتر از قرآن نداریم. همچنین هیچ کتابی اعم از کتب مقدس یا کتب دیگر نیست که تاریخی به قدمت و در عین حال تاریخی‌چهره‌ای به روشنی قرآن داشته باشد (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ص ۱).

خدای سبحان، قرآن کریم را به عنوان نور به جهانیان شناسانده و خاصیت نورانی بودن قرآن آن است که هم معارف آن روشن و مصون از ابهام و تیرگی است و هم جوامع بشری را از هرگونه تاریکی اعتقاد یا

تیرگی اخلاقی یا ابهام در شناخت یا سرگردانی در انتخاب راه یا خیر در ترجیح هدف و مانند آن می‌رهاند و به شبستان روشن صراط مستقیم و هدف راستین بهشت «عدن» می‌رساند. خدای سبحان، قرآن کریم را به عنوان تبیان همه چیز به انسان‌ها شناسانده؛ یعنی هر چیزی که در تامین سعادت انسان سهم مؤثر دارد، در این کتاب الهی بیان شده است و اگر انجام کاری عامل فراهم نمودن سعادت بشر است، در آن آمد، و اگر ارتکاب عمل مایه شقاوت بشری می‌گردد، پرهیز از آن به صورت یک دستور لازم در آن تعبیه شده است. اشتمال قرآن بر همه ی معارف و اخلاق و اعمال الهی و انسانی به طور رمز یا ابهام یا معما و مانند آنها که از قانون محاوره و اسلوب تعلیم و تربیت جدا است، نمی‌باشد، بلکه به طور روشن است زیرا خدای سبحان از جامعیت قرآن نسبت به همه اصول اسلامی به عنوان تبیان یاد کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ص ۱۵).

خدای سبحان، قرآن کریم را تبیان همه چیز دانست، گرچه ممکن است منظور از (تبیاناً لکل شیء) این باشد که هر چه در جهان تکوین و عالم خارج وجود دارد، قرآن کریم از لحاظ علمی حاوی آنهاست؛ زیرا این کتاب عظیم الهی از مبدأ اعلا تنزیل یافت و در آن مقام، همه حقایق وجود جمعی دارند و برای آیه قرآن همان طوری که ظاهر انیق است، باطن عمیق می‌باشد و برخی از روایات نیز همین اشتمال قرآن بر همه ی علوم جهان هستی را تأیید می‌کند؛ لیکن محور اساسی قرآن، همان تعلیم و تزکیه انسان‌ها در راه عقیده و اخلاق و اعمال شایسته است، تا از این رهگذر، سعادت خود را تحصیل نموده، به هدف نهایی که لقاء خداوند سبحان است، نایل گردند. درباره آفرینش انسان و ترکیب وی از روح مجرد و جسم مادی و تطوّر او در عوالم متعدد، از آنچه قبل از دنیا داشت و آنچه هم اکنون در نشاء طبیعت دارد و آنچه بعد از ارتحال از دنیا پیدا می‌کند و اینکه ایشان گرچه از علوم مادی و تجربی تهی بود، ولی از دانش فطری برخوردار بود و با همان سرمایه ی آگاهی فجور و تقوا به جهان ماده دیده گشود و در انتخاب راه آزاد است و نه جبر در کار است و نه تفویض و مسائل فراوان دیگری که بخش مهم از تعالیم قرآن را تشکیل می‌دهد (همان، ص ۲۸).

بررسی هدف قرآن از تحقیق پیرامون اهداف سایر کتاب‌های آسمان جدا نیست؛ زیرا همه آنها برای تعلیم و تزکیه انسان شده اند و موضوع پیام آنها رهبری بشر است و حقیقت بشر، نه همانند برخی از فرشتگان نشاء غیب، مجرد تام است و نه همتای پدیده های طبیعی نظیر گیاه مادی صرف است و نه مجموع مجرد و مادی است که کثرت آن حقیقی و وحدت آن اعتباری باشد؛ بلکه یک واحد حقیقی و گسترده است که دارای شئون فراوان می‌باشد و همه ی آن شئون ادراکی و تحریکی را خودش اداره می‌نماید و